

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مکبیره بحث فوائدِ امامِ غائب

سابقه این بحث: سؤال جابر بن عبد الله أنصاری از حضرت رسول صلی الله علیه و آله با شنیدن خبر تلخ غیبت:

« فهل يقع لشيعته الانتفاع به في غيبته » و حضرت در پاسخ فرمودند: « إِي وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِهِ وَيَتَفَعَّلُونَ

بِوَلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَإِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ » کمال الدین ج ۱ باب ۲۳ ح ۳

سؤال جدی اهل سنت در این رابطه: « قاضي، محب الجبار معتزلي: »

« اگر امام ظاهر نشود تا به وسیله او نقص ها جبران شود، چه فائده‌ای بر او مترتب است بسان آن که اصلاً حجتی بر روی زمین نباشد! »

شیعه شناسی و پاسخ به شبهات، رضوانی، ج ۲، ص ۲۴۴ تفننازانی: « مسأله اختلافی امام از مردم، به این کیفیت که تنها اسمی از او در میان باشد

جداً بعید است و امامت او در خفاء امری بیهوده است! » شرح مقاصد تفنازانی، ج ۵، ص ۳۱۲

خاستگاه این سؤال در شیعه: کسب معرفت بیشتر و اطلاع از چگونگی بهره مندی از امام غائب

در اهل سنت: نوع نگاه و اعتقاد آنان به امام با غائب بودن سازگاری ندارد

آثار و برکات امام:

آثار مترتب بر وجود امام: واسطه فیض بودن، هدایت باطنی، امید بخشی، امنیت بخشی، حفظ کیان شیعه، فریاد رسی، حفظ علوم و اسرار الهی و...

۱- واسطت در فیض: فیض در لغت به معنای لبریز شدن، جاری شدن و ضد غیض می باشد.

« تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ » مانند: ۸۳ « فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ ... » بقره: ۱۹۸

فیض در اصطلاح: آن چه که از ناحیه الله تبارک و تعالی پیوسته و بدون دریافت عوض انجام می گیرد همچنین به معنای « جود و نعم

الهی » آمده است. تشبیه فیض به: جوشش آب از چشمه، تابش نور خورشید، تصویر روی پرده سینما

ارتباط بحث واسطه فیض با موضوع « نخستین مخلوق » اختلاف در مصداق آن: عقل، قلم، نور، وجود منبسط، حقیقت محمدیه

پایه های برهان واسطه فیض از منظر عقل در فلسفه و عرفان:

« قاعده الواحد لا یصدر عنه الا الواحد » « قاعده لزوم سنخیت بین علت و معلول »

« علت نیاز مندی، افاضه فیض به واسطه: »

الف: عدم امکان صدور بیش از واحد از واجب الوجود ب: به جهت ضعف در ناحیه قابلیت قابل

مثل واسطه شدن برگ درخت برای نجات مورچه از آب و همین طور ترانس برق برای ...

آیا متون دینی ما مؤید این حقیقت است؟! آن چه که از متون دینی در مورد وجود واسطه می توان استفاده نمود:

واسطه در فیض هدایت تشریحی و باطنی: امام صادق علیه السلام: «... إِنْ مَنْ عَرَفَ أَنَّ لَهُ رَبًّا فَيَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَعْرِفَ أَنَّ لِدَلِكِ الرَّبِّ رِضًا وَسَخَطًا وَ

أَنَّهُ لَا يَعْرِفُ رِضَاهُ وَسَخَطُهُ إِلَّا بِوَحْيٍ أَوْ رَسُولٍ فَمَنْ لَمْ يَأْتِهِ الْوَحْيُ فَقَدْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَطْلُبَ الرَّسُولَ » کافی ج ۱ کتاب الحجج باب الاضطرارح ۲

واسطه در دعا و پذیرش الهی: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» نساء: ۶۴
 «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» بقره: ۳۷ «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» طه: ۱۰۹
 واسطه در برفی نعم الهی: «وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ» توبه: ۵۹
 «وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ» توبه: ۷۴ «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا» يوسف: ۹۶

واسطه در تصرف در انجام برفی از امور از طرف خداوند = ولایت تکوینی: «قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا» بقره: ۲۶۰ «إِنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ...» آل عمران: ۴۹ «...فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَ مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي» كهف: ۸۲ معجزه شجره در مکه و....

واسطه در استمرار نعم الهی و بقاء عالم: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ» انفال: ۳۳ روایات «لولا الحجه...» کافی ج ۱ کتاب الحج باب ان

الارض لاتخلو من حجه (بنا ينزل الغيث و تنشر الرحمة و تخرج بركات الارض) کمال‌الدين ج ۱ باب العلة التي من أجلها يحتاج الى الامام ح ۲۲

به جهت این که : ۱- علت غائی عالم به وسیله ائمه علیهم السلام تحقق می یابد.

۲- با این همه ظلم و فسادى که در عالم صورت می گیرد اگر به خاطر وجود آنان نبود عذاب نازل می شد.

چند نکته : ۱- آفرینش عالم از طریق واسطه فیض دلیل نقلی ندارد بلکه بر رد آن دلیل وجود دارد :

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاجْرَيْتُ اخْتِلَافَ الشَّيْخَةِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَزَلْ مُتَفَرِّدًا بَوَحْدَانِيَّتِهِ ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ فَمَكَثُوا أَلْفَ دَهْرٍ ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ فَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا وَأَجْرَى طَاعَتَهُمْ عَلَيْهَا وَفَوَّضَ أُمُورَهَا إِلَيْهِمْ فَهُمْ يُحِلُّونَ مَا يَشَاءُونَ وَيُحَرِّمُونَ مَا يَشَاءُونَ وَكُنْ يَشَاءُ وَإِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقَ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مَحَقَّ وَمَنْ لَزِمَهَا لَحِقَ خُذْهَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ» کافی ج ۱ کتاب الحج باب مولد النبى صلى الله عليه وآله ح ۵

در هیچ نصی خلقت کلی عالم به غیر خداوند نسبت داده نشده است

۲- پذیرش وساطت در فیض هیچ منافاتی با توحید ندارد همه چیز اولاً و بالذات به طور مطلق به خداوند منسوب است و ثانیاً و

بالعرض به طور اعطایی به دیگران نسبت داده می شود. «اللَّهُ يَتَوَقَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» زمر: ۴۲ «قُلْ يَتَوَقَّكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ» سجده: ۱۱
 نظام اسباب و مسببات به معنای سلسله وسائط در نظام هستی است.

آب تشنگی را و غذا گرسنگی و صدقه بلا را بر طرف و بوته و درخت به ما میوه می دهد در حالی که مؤثر اصلی و خالق، خداوند متعال

است. آری در یک خانواده پدر واسطه رسیدن روزی به اهل خانه می باشد در حالی که روزی رسان خداوند است. ر.ک ترحیم: ۴؛ انفال: ۶۴؛ آل عمران: ۱۲۴

۳- نور وجود رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت حلیمهم السلام به عنوان اولین ، کامل ترین و مقرب ترین مخلوق

در آفرینش. بحارالأنوار ج: ۱۵ ص: ۲۰ باب ۱- بد، خلقه با یک صد روایت

عَنْ جَابِرِ بْنِ بَرِيدٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا جَابِرُ إِنَّ اللَّهَ أَوَّلَ مَا خَلَقَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَتْرَتَهُ الْهُدَاةَ الْمُهْتَدِينَ هَمَانِ ح ۴۷ ر.ک سوره نجم آیات ۷ به بعد

نتیجه : فائده امام غائب چیست ؟ پاسخ : با توجه به آن چه گه بیان شد :

او سبب بقاء عالم و استمرار نعم الهی است. «بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَبِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَبِوَجُودِهِ ثَبَّتَتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»

او صاحب ولایت تکوینی است و همانند حضرت خضر علیه السلام و... روایات مربوط به اسم اعظم الهی ۷۲ حرف... کافی کتاب الحجج باب اسم اعظم

او سبب پذیرش توبه و دعای ما و... «وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ»

مسأله شب قدر و ارتباط آن با این بحث.

امام سجّاد علیه السلام : «إِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ (بين الطلوعين) أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَعَلَى أَيْدِينَا يُجْرِيهَا» بحار الأنوار ج ۴۶ ص ۲۳

۲- هدایت باطنی : هدایت تشریحی «إِثْنَانِ طَرِيقٍ» «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» دهر : ۳

هدایت باطنی «إيصال الى المطلوب» «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» عنكبوت: ۶۹

أنواع هدایة تکوینی : هدایت تکوینی موجودات (از جمله بدن انسان) «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» طه : (۵۰)

هدایت تکوینی عموم انسان ها : (فطرت) «فَالْهَمَّهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» شمس : (۸)

هدایت تکوینی ویژه نفوس لایق و شایسته :

«وَأَجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۸۷) ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ... (۸۸)» أنعام

چند نکته : ۱- دفعی بودن یا تدریجی بودن هدایت باطنی بستگی به لیاقت و شایستگی فرد دارد.

۲- برای آگاهی بیشتر از هدایت باطنی مراجعه شود به آیات أنعام : ۷۵، ۸۷ و ۸۸ عنكبوت : ۶۹ مانند ۱۶: انبیاء : ۷۳ سجده : ۲۴

۳- قرآن کریم هر جا نامی از امامت می برد، دنبالش متعرض هدایت میشود، تعرضی که گویی می خواهد کلمه نامبرده

را تفسیر کند. «وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» انبیاء : ۷۳ «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» سجده : ۲۴

۴- امام هدایت کننده ای است که با امری ملکوتی که در اختیار دارد هدایت می کند، پس امامت از نظر باطن یک نحوه

ولایتی است که امام در اعمال مردم دارد، و هدایتش چون هدایت انبیاء و رسولان و مؤمنین صرف راهنمایی از طریق نصیحت و

موعظه حسنه و بالأخره صرف آدرس دادن نیست، بلکه هدایت امام دست خلق گرفتن و به راه حق رساندن است.

توجه : بین امامت به معنای مذکور و نبوت رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد.

مراجعه شود به تفسیر المیزان ج ۱ ذیل آیات ۱۲۴ بقره و ۷۳ سوره انبیاء

فلسفه هدایت باطنی : سؤال : با وجود قرآن و سنت ، هدایت باطنی چه ضرورتی دارد ؟ آیا با عمل به آیات و روایات نمی توان بهشتی شد ؟!

پاسخ : تا هدف چه باشد ؛ بهشتی شدن یا ربّانی شدن و تقرب یافتن به خود خداوند ؟ تفکر ساعة افضل من ...

لزوم معرفت نفس :

«أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً» لقمان : ۲۰

«...فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» مؤمنون : ۱۴

«خلقت الأشياء لك و خلقتك لأجلي»

«أتحسب أنك جرم صغير و فيك انطوى العالم الأكبر»

نتیجه...: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»

بحار الأنوار ج ۲ ص ۳۲

أهل تفکر بهشتیان لقای حق و دوزخشان دوری از اوست «هبنی صبرت علی عذابک فکیف أصبر علی فراقک»

این جاست که ضرورت وجود امام به عنوان راهنما و دستگیر سالکان الی الله به خوبی روشن می گردد.

۳- **أمید بخشش** قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَكَوَلًا لِلْأَمَلِ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَكَدَاهَا وَكَأْغْرَسَ غَارِسٌ»

شجرًا» بحار الأنوار ج ۴ ص ۱۷۵ نقش معجزه آسای امید در موفقیت فرد و جامعه

اعتقاد به امام حی که در میان ما است رؤف و مهربان و مظهر أسماء و صفات إلهی است انتظار را در شیعه متفاوت می سازد.

پی بردن دشمن به این حقیقت «کنفرانس تل آویو» «شگرد جدید و هابیت»

۴- **أمنیت بخشش**: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ يُومًا بِلَا إِمَامٍ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَلَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ

بِأَشَدِّ عَذَابِهِ إِنْ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَأَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَنْ يَزَالُوا فِي أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا

بحار الأنوار ج ۲۳ ص ۳۷

دُمْنَا بَيْنَ أَظْهَرِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَهْلِكَهُمْ وَلَا يُمْهِلَهُمْ وَلَا يُنْظِرَهُمْ ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ

طَرِيفٌ أَبُو نَصْرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ فَقَالَ: أَتَعْرِفُنِي فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ مَنْ أَنَا فَقُلْتَ أَنْتَ سَيِّدِي وَابْنُ سَيِّدِي فَقَالَ لَيْسَ عَنْ

هَذَا سَأَلْتُكَ قَالَ طَرِيفٌ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ فَسَرُّ لِي قَالَ أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَشِيعَتِي بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۳۰

۵- حفظ کیان شیعه

«این جا شیعه خانه ماست» «شیعیان بحرین» و...»

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُونَا عَلَى

أَنْتِيَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَةٍ» بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۱۷۴

۶- **حفظ علوم و اسرار إلهی**: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«يَمْصُونُ الثَّمَادَ وَيَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ قِيلَ لَهُ وَمَا النَّهْرُ الْعَظِيمُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَالْعِلْمُ الَّذِي أَعْطَاهُ اللَّهُ إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَمَعَ

لِمُحَمَّدٍ ص سُنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ آدَمَ وَ هَلَّمَ جَرًّا إِلَى مُحَمَّدٍ ص قِيلَ لَهُ وَمَا تِلْكَ السُّنَنُ قَالَ عِلْمُ النَّبِيِّينَ بِأَسْرِهِ وَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص صَيَّرَ ذَلِكَ

كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَقُولُ إِنْ الْعِلْمُ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُرْفَعْ وَ مَا مَاتَ عَالِمٌ إِلَّا وَ قَدْ وَرَّثَ عِلْمَهُ إِنْ الْأَرْضُ لَا

كافی ج ۱ كتاب الحجج باب أن الانتم ورتبه العلم

تَبْقَى بغير عالم

۷- **فریاد رسی** «الكهف، مفرج الكربات، مزيل الهم، الغوث، الرحمة الواسعة»

حکایت سید رشتی: ... نافله نافله نافل عاشورا عاشورا عاشورا جامعه جامعه جامعه